

بسم الله الرحمن الرحيم

دروغگویی کودکان

و

روش‌های اصلاح و درمان آن

تالیف: عاطفه دبیری

مرضیه کاکوئی



انتشارات طراحان ایماژ

سرشناسه: عاطفه دبیری ۱۳۵۷

عنوان و نام پدیدآور: دروغگویی کودکان و روش‌های اصلاح و درمان آن / تألیف عاطفه دبیری، مرضیه کاکوئی.

مشخصات نشر: تهران: ایماژ، ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری: ۴۰ص

شابک: 978-600-6158-06-8

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

موضوع: راستگویی و دروغگویی در کودکان

موضوع: کودکان -- روان‌شناسی

شناسه افزوده: کاکوئی مرضیه

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۱ ۲۲۳/۲۳۳BF

رده‌بندی دیویی: ۲۷۱۱۸۳۳

شماره کتابشناسی ملی: ۱۳۹۰/۱۲/۱۷

دروغگویی کودکان و روش‌های اصلاح و درمان آن

مؤلف: عاطفه دبیری، مرضیه کاکوئی

صفحه‌آرا: پانته‌آ کشاورز

قطع: رقعی - ۴۰ صفحه

قیمت: ۲۰۰۰ تومان

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۱

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۱۵۸-۰۶-۸

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است

آدرس: تهران خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، نیش کوچه ماستری فراهانی، پلاک ۳۷، طبقه دوم، واحد ۶

تلفن: ۶۶۹۶۹۶۹۶ - ۰۹۱۲۳۰۹۹۲۰۳ فاکس: ۶۶۴۸۸۶۰۶

فهرست

۵	پیشگفتار
۶	مقدمه

فصل اول: چرا کودکان دروغ می‌گویند

۸	تعریف دروغ
۸	دروغگویی در کودکان
۱۰	درک کودکان از دروغ و اشتباه
۱۲	دروغ نشانه چیست
۱۲	آثار و نشانه‌های دروغ
۱۳	دلایل دروغگویی
۱۴	هدف از دروغگویی چیست
۱۴	- ترس از تنبیه
۱۵	- تقلید از والدین
۱۵	- نحوه بیان و برخورد والدین
۱۶	- احساس تحت فشار بودن
۱۶	- آزمودن والدین توسط کودک
۱۶	- تشویق نادرست والدین
۱۶	- حفظ احساسات دوستی
۱۷	- در نظر گرفتن مصلحت
۱۸	- لو ندادن
۱۹	- جلب توجه کردن
۱۹	- رهایی از سرزنش
۱۹	- حسادت و رقابت
۱۹	- آرزو و امید
۱۹	- به بازی گرفتن
۱۹	- ناراحت کردن و کینه جویی
۲۰	- خودنمایی
۲۰	- کسب منافع

۲۰	تفکرپیش عملیاتی
۲۰	عادت و تربیت غلط
۲۱	دروغگویی در چه کودکانی بیشتر دیده می‌شود
	فصل دوم: اصلاح و درمان دروغگویی در کودکان
۲۲	روش‌های اصلاح و درمان دروغگویی
۲۲	تشخیص علت دروغگویی
۲۲	زمینه‌سازی تشخیص دروغ از واقعیت در کودک
۲۴	ایجاد محیط سالم در خانه
۲۵	ایجاد ارتباط صمیمی و احساس اعتماد در کودک
۲۵	باعث دروغگویی کودک نشوید
۲۶	ایمن کردن کودک از تنبیه و مجازات
۲۷	پذیرش دروغگویی از طرف کودک
۲۸	پذیرش کودک از طرف والدین
۲۸	رازدار بودن والدین
۲۸	نصیحت کردن کودک
۲۸	چشم پوشی کردن از دروغ کودک
۲۹	محدود کردن توقعاتمان از کودک
۲۹	محبت کردن به کودک
۲۹	بیان عواقب و نتایج دروغگویی
۲۹	هشدار دادن به کودک
۳۰	اعلام نارضایتی والدین
۳۰	بیان شرایط ارزشمند بودن کودک
۳۰	ندادن فرصت به کودک
۳۱	ایجاد سرخوردگی در کودک
۳۲	هشدار به والدین درباره تنبیه کودکان
۳۴	ملاحظات پایانی
۳۶	فهرست منابع فارسی
۳۷	فهرست منابع انگلیسی

پیشگفتار مولفان

کودکان به عنوان یکی از گروه‌های سنی آسیب‌پذیر در معرض انواع اختلالات رفتاری (خودسری، طغیان، دزدی، جرایم جنسی، اعتیاد، بی‌بند و باری و دروغ‌گویی) قرار دارند. در آسیب‌شناسی اختلالات شخصیتی کودک، روان‌شناسان رشد به مقتضیات خاص مراحل رشد، و روانشناسان یادگیری اجتماعی به شرایط و مقتضیات محیطی کودک توجه دارند. دروغ‌گویی یکی از اختلالات رفتاری است که پدر و مادر و اطرافیان کودک با آن دست به‌گریبان‌اند. خانواده اولین پایگاهی است که کودک در آنجا مورد تربیت و آموزش قرار می‌گیرد و پدر و مادر اولین معلم‌های کودک هستند. بنابراین نوع باورها، ارزش‌ها، انتظارات و اسنادهای آنان شکل دهنده رفتار کودک می‌باشد.

کمبود یا عدم آگاهی والدین و مربیان درباره علت و انگیزه دروغ‌گویی در کودکان و چگونگی اصلاح این اختلال باعث می‌شود تا هنگام مواجهه با دروغ‌گویی کودک، واکنش‌های نادرستی از خود بروز دهند. بطوریکه بسیاری از والدین به جای مداخله به موقع و مناسب به تنبیه و طرد کودک روی می‌آورند.

در این کتاب به دروغ‌گویی در کودکان؛ نقش والدین؛ اهداف، نشانه‌ها و علل دروغ‌گویی؛ دلایل دروغ‌گویی از دیدگاه روان‌شناسان یادگیری اجتماعی؛ روش‌های اصلاح دروغ‌گویی؛ و همچنین نکاتی در زمینه مضرات تنبیه در کودکان پرداخته شده است. هدف از نگارش این کتاب افزایش آگاهی و اطلاعات والدین، مربیان و دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت است، تا بتوانند مشکل دروغ‌گویی کودک را در مراحل اولیه تشخیص داده و به اصلاح آن پردازند. زیرا اگر به موقع و با اطلاعات درست به انجام یک سلسله اقدامات پردازند، در آینده نه چندان دور این کودک به نوجوانی تبدیل خواهد شد که دارای یک یا چند اختلال شخصیتی و رفتاری می‌باشد. کودکان، زنان و مردان فردا باید برای تربیت‌شان کوشا باشیم به امید اینکه فرزندان صادقی بیروانیم تا بتوانند جاده‌ای روشن به سوی آینده‌ای موفق با تکیه بر صداقت خویش ترسیم کنند.

در نگارش این کتاب از تحقیقات جدید انجام شده در زمینه دروغ‌گویی کودکان بهره گرفته شده است که خواندن آن را به تمام پدرها و مادرها، روانشناسان کودک و دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت توصیه می‌کنیم.

عاطفه دبیری

مرضیه کاکوئی

مقدمه

طی دو دهه والدین "صداقت" را به عنوان بیشترین ویژگی ای که می خواهند فرزندشان داشته باشد رده بندی کرده اند. ویژگی های دیگر همچون اعتماد به نفس^۱ و عدالت به این اندازه مورد توجه نبودند. تحقیقات نشان می دهد که کودکان نیز نظر مشابهی دارند. ۹۸ درصد کودکان می گویند که اعتماد کردن و صداقت داشتن در روابط شخصی، ضروری هستند. ۹۶ تا ۹۸ درصد کودکان بر اساس سنشان می گویند که دروغگویی از نظر اخلاقی، نادرست است. اما تحقیقات نشان می دهند که ۹۶ درصد از کودکان به والدین خود دروغ^۲ می گویند^۳.

در تحقیقاتی که روی کودکان در خانه هایشان انجام گرفته نتایج بیانگر آن است که کودکان ۴ ساله، هر دو ساعت یکبار دروغ می گویند، در حالیکه یک کودک ۶ ساله، هر یک ساعت، یک دروغ می گوید. تعداد کمی از کودکان استثناء هستند. در تحقیقات مشابه، ۹۶ درصد تمامی کودکان، دروغ می گویند. کودکان خیلی زودتر از آنچه انتظار داریم دروغ گفتن را یاد می گیرند. دکتر تالوار طی تحقیقی یک بازی زیر چشمی نگاه کردن را تدارک دید. نتیجه اش این بود که یک سوم کودکان ۳ ساله که زیر چشمی نگاه کرده بودند وقتی از آنها سوال شد که آیا زیر چشمی نگاه کرده اند، اکثرشان آن را پذیرفتند. اما بیش از ۸۰ درصد کودکان ۴ ساله ای که زیر چشمی نگاه کرده بودند، وقتی از آنها سوال شد آیا زیر چشمی نگاه کرده اند، به دروغ می خواستند ثابت کنند که این کار را نکرده اند. تقریباً تمامی کودکان در تولد ۴ سالگی شان تجربه دروغگویی را آغاز می کنند^۴.

کودکانی که خواهر یا برادر بزرگتر دارند زودتر دروغگویی را یاد می گیرند^۵. با ورود به مدرسه راهنمایی بسیاری از کودکان همانند دستگاه کپی برداری به دوستانشان دروغ می گویند که روشی برای جبران ناکامی یا جلب توجه است، یا ممکن است تلاش کنند تا کار بدی را که انجام داده اند جبران نمایند^۶.

بیشترین صحبت درباره دروغگویی این است "الگویی که باعث شروع دروغگویی در

1. self confidence

2. Lie

3. Bronson & Marrayman, 2009

4. Talwar, 2008

5. Wilson, Smith, Ross and Ross, 2004

6. Wilson, Smith, and Ross, 2003

کودکان می شود کیست؟ آیا دروغگویی از اوایل زندگی ثابت باقی می ماند؟" برخی کودکان می گویند: "من این دروغ رو گفتم و احساس خیلی بدی داشتم. قسم خوردم که دیگر هرگز دروغ نگویم." بعضی دیگر از کودکان می گویند: "من هیچ وقت نمی دونستم که خوب می تونم پدرم رو فریب بدم. من می تونم دفعات دیگر هم دروغ بگم".

دروغ هایی که کودکان زود شروع می کنند معنی دار هستند. شیوه عکس العمل پدر و مادرها می تواند بر دروغگویی کودکان تاثیر بگذارد!

1. Buffington, 1989

چرا کودکان دروغ می گویند

تعریف دروغ

از نظر روانشناسی دروغ تحریف آگاهانه واقعیت، بیان مطلبی است که مطابق با واقعیت و حقیقت نیست و دروغگو یعنی شخصی که به قصد گول زدن دیگران خلاف واقعتهای را بیان کند. معمولاً کسی که دروغ می گوید آگاهانه^۱ به تحریف حقیقت می پردازد و امری را تأیید می کند که وجود خارجی ندارد.

بین دروغ گفتن و انکار^۲ کردن (به عنوان یک مکانیسم دفاعی) تفاوت وجود دارد. زیرا فرد در انکار کردن، حقیقت را به طور کامل رد می کند اما به صورت ناآگاهانه^۳، در حالیکه دروغ به صورت آگاهانه گفته می شود.

دروغگویی در کودکان

مطالعاتی که درباره مفاهیم^۴ در کودکان صورت گرفته است نشان می دهند که تحول و تکامل مفاهیم در کودکان جریان منطقی را طی می کند و صرف نظر از تاثیر هوش^۵ و فرصت های یادگیری^۶، مفاهیم مختلف در کودکان با افزایش سن تغییر می یابند. توجه به تحول درک مفهوم دروغ در کودکان اخیراً بدلیل اهمیت نظری آن در نظریه ذهن و همگانی

1.consciously
2.denial
3.unconsciously
4.concepts
5.intelligence
6.learning

بودن تحول مفاهیم در کودکان و از همه مهمتر اهمیت اجتناب از دروغ‌گویی و تشویق به راست‌گویی و استفاده از کودکان در محاکم قضایی به عنوان شاهد از گستردگی بیشتری برخوردار شده است.^۱

یکی از نکات مهم تربیتی جلوگیری از دروغ‌گویی در کودکان است. این مسئله در اغلب خانواده‌ها مطرح است. بسیاری از کودکان خردسال و آنهایی که در مرز ۲ سالگی هستند گاهی بین تخیل و واقعیت فرقی نمی‌گذارند و حرفی می‌زنند که به نظر ما دروغ است اما باید بدانیم که در دو سال اول زندگی خبرهای دروغ مربوط می‌شود به عدم درک و مهارت کودک در پی بردن و فهمیدن صحبت‌ها. زیرا اولاً در این سن کودک نمی‌داند دروغ چیست، و ثانیاً چون خزانه لغات وی بسیار محدود است (مثلاً کلمه بابا را ممکن است در مورد هر مردی به کار ببرد) لذا نمی‌تواند آنچه را که دیده یا شنیده عیناً بیان کند. تا چهار، پنج سالگی نیز دروغ‌گویی اغلب جنبه تخیلی دارد و کودک به شرح زندگی و تصورات خلاقه ولی خام و غیر دقیق کودکانه و خیالی خود می‌پردازد و شرح این تصورات به معنی دروغ‌گویی نیست بلکه کودک فقط می‌خواهد تصورات خیالی خود را که فکر می‌کند وجود دارند یا از آنها لذت می‌برد با دیگران در میان بگذارد. بعد از شنیدن داستان‌های تخیلی و دیدن فیلم‌های افسانه‌ای این نوع دروغ‌گویی بیشتر می‌شود. معمولاً با بالا رفتن سن، چون کودک بین واقعیت و خیال فرق می‌گذارد کمتر به دروغ‌گویی تخیلی می‌پردازد.^۲

همانطور که بیان شد تا سنین سه تا چهار سالگی دروغ به مفهومی که برای بزرگسالان مطرح است در کودکان وجود ندارد. بنابراین هرگاه در این سنین، کودک واقعیت‌ها را به صورت وارونه ارائه کند هدفش کسب امتیاز نیست. اما از سن ۴ سالگی به بعد تدریجاً بر اثر دخالت‌های عوامل محیطی و تربیت نادرست، دروغ و دروغ‌گویی در کودک شکل می‌گیرد و گاه آنقدر شدید می‌شود که به صورت مرضی، جزئی از بی‌بند و باری نوجوانی را تشکیل می‌دهد.^۳

زمانی که کودک به تشخیص میان واقعیت و خیال پی می‌برد یاد می‌گیرد که دروغ، دروغ است حتی اگر مصلحتی باشد. در حدود ۷ سالگی، کودک نسبت به دروغ گفتن احساس

1. Wimmer & Perner, 1984, 1985

۲. میلانی فر، ۱۳۷۹
۳. سیف نراقی، مریم و نادری، عزت الله، ۱۳۷۹

بدی پیدا می‌کند حتی اگر کسی متوجه دروغگویی وی نشوند. کودک در این سن، مفهوم کار بد، مجازات، تنبیه و جنایت را درک می‌کند و شاید می‌ترسد که حتی اگر والدینش او را به خاطر دروغگویی‌اش تنبیه نکنند خدا او را مجازات کند. کودک در حدود ۱۱ یا ۱۲ سالگی به ارزیابی واقعیت‌ها می‌پردازد که طبق نظریه پیاژه^۱ نشان دهنده بلوغ و تجربه‌ی کودک است. در این سن، کودک این موضوع را درک می‌کند که جامعه بر مبنای اعتماد بنا شده است و اگر نتواند اعتماد مردم را جلب کند شکست خواهد خورد.

درک کودکان از دروغ و اشتباه^۲

پیاژه (۱۹۳۲) به نقل از استریچارتز و برتون، (۱۹۹۰)^۳ به عنوان یکی از پیشگامان بررسی مفهوم دروغ در کودکان و به دنبال او بسیاری دیگر همچون ویمر^۴، گروبر^۵ و پرنر^۶ (۱۹۸۵)، (۱۹۸۴) و استریچارتز و برتون (۱۹۹۰) معتقدند که کودکان کم سن و سال درکی از مفهوم دروغ به عنوان یک عبارت فریب دهنده به منظور گمراه کردن دیگران ندارند. آنها تمام اشتباهات را دروغ قلمداد می‌کنند و تشخیص نمی‌دهند که گفته یک شخص به دلیل عدم آگاهی او از واقعیت، دروغ نیست بلکه فقط یک "اشتباه" است.^۷ پیاژه معتقد است یک تعریف پیشرفته از "دروغ" که تا سنین خاصی (بین ۶ تا ۱۰ سالگی) تعریف معمول کودکان است اشاره به عدم تطابق با واقعیت دارد. با توجه به این توضیحات به شرح زیر از یافته‌های دکتر پاول اکمان از دانشگاه سانفرانسیسکو توجه کنید.

پدری در مسیر بازگشت از مدرسه به خانه در روز سه شنبه به پسر ۵ ساله‌اش قول داد یکشنبه بعد از ظهر او را به بازی بیسبال ببرد. وقتی به خانه رسیدند، پدر فهمید که مادر اول صبح برای یکشنبه بعد از ظهر کلاس شنا را برنامه ریزی کرده است و نمی‌تواند آن را تغییر دهد. وقتی موضوع را به پسرش گفتند او خیلی ناراحت شد و وضعیت ناچور گشت. چرا کودک آنقدر ناراحت شد؟! پدر که چیزی درباره کلاس شنا نمی‌دانست!

از نظر بزرگترها پدر دروغ نگفته است اما از نظر کودک، پدر دروغ گفته است. هر گفته ساختگی - بی توجه به نیت - دروغ محسوب می‌شود. بنابراین پدر غیر عمد به پسرش این

3. Piaget

2. mistake

3. Stricharts & Burton, 1990

4. Wimmer

5. Gruber

6. Perner

7. Peterson & Siegal, 2002

پیام را می‌دهد که ناخواسته دروغ گفته است.^۱

برای روشن شدن استنباط نادرست کودک به نظریه کلبرگ اشاره می‌کنیم. کلبرگ^۲ همانند فروید^۳ اریکسون^۴ و پیازه معتقد است که رشد اخلاق طی مراحل از قبل برنامه ریزی شده پیش می‌رود. و معتقد است که رشد اخلاق و تحول شناختی رابطه نزدیک و تنگاتنگ دارند. مراحل رشد اخلاقی^۵ کلبرگ دارای سه سطح است و هر سطح نیز دارای دو مرحله می‌باشد. سطح اول "اخلاق پیش عرفی" نام دارد که شامل سنین ۳ تا ۱۰ سالگی است (کودک اشاره شده در مثال بالا در این سطح از رشد اخلاقی قرار دارد - مولفان). در این سطح قضاوت اخلاقی کودکان بیشتر مبتنی بر اجتناب از تنبیه یا کسب پاداش است. در مرحله اجتناب از تنبیه، کودک برای گریز از مجازات و تنبیه از معیارهای اخلاقی اطاعت می‌کند (شامل کودکانی می‌شود که دروغ را به دلیل تنبیه شدن بد می‌دانند - مولفان). توجه چندانی به انگیزه و نیت عمل فرد ندارند بلکه بیشتر به پیامد آن فکر می‌کنند (کودک مثال بالا با این تعریف منطبق است زیرا به نیت پدر توجهی ندارد و لغو شدن تماشای بیسبال را حمل بر دروغگویی پدر می‌داند - مولفان) در مرحله کسب پاداش، معیار قضاوت اخلاقی، اطاعت از مقررات برای رسیدن به پاداش و نوعی سودجویی متقابل است. کودکان عملی را اخلاقی می‌دانند که برای آنها فایده داشته باشد.^۶

پیاژه معتقد است هر چند کودکان ۵ تا ۷ ساله تفاوت بین عمل عمدی و اشتباه غیر ارادی را درک می‌کنند اما قادر به تمایز قطعی بین این دو مقوله نیستند و هر دو را دروغ می‌دانند. یافته‌های پیازه نشان می‌دهند که در حدود ۶ و ۷ سالگی کودکان کم‌کم "اشتباه غیر ارادی" را از "دروغ" به خوبی تشخیص می‌دهند و یا این تمایز در حال پدید آمدن است و در حدود سن ۱۰ تا ۱۱ سالگی "دروغ" را چیزی می‌دانند که حقیقت نداشته باشد و به فریب یعنی عمل عمدی فکر می‌کنند.^۷

کودکان ۴ تا ۶ ساله اگرچه از غیر عمدی بودن "باور غلط" آگاه هستند با این حال آن را دروغ می‌دانند.^۸ در پژوهشی^۹ بر روی کودکان ۳ تا ۵ ساله ایتالیایی به این نتیجه رسیدند که

1. Ekman, 1989
2. Kohlberg
3. Freud
4. Erikson
5. moral development

9. Gilli, 2001

۶. به نقل از احدی و جمهوری، ۱۳۸۴
۷. پیازه، ۱۳۷۹
۸. ویمر، گروبر و پرنر، ۱۹۸۴ و ۱۹۸۵

کودکان تمام سنین اغلب دروغ و اشتباه را بد و منفی می دانستند. پژوهش دیگری^۱ نیز نشان داد که در حدود ۵ سالگی کودکان می توانند به توضیح و ارائه مثال درباره دروغ و وانمود کردن^۲ بپردازند و درباره تفاوت های این دو اظهار نظر کنند اما اکثر اوقات عبارت هایی را که به قصد وانمود کردن ارائه می شود دروغ می پندارند یعنی از نوعی ابهام در قضاوت درباره "دروغ" و "وانمود کردن" برخوردار بودند اما اگر در داستان ها از آشنا ترین نوع وانمود کردن ها مثل بازی کردن نقش فردی دیگر استفاده شود کودکان ۴ ساله هم مشکلی در تشخیص عبارات دروغ و وانمود کردن نخواهند داشت.

دروغ نشانه چیست

هر سیل ناگهانی دروغ یا افزایش هیجانی در دروغگویی نشان دهنده آن است که چیزی در زندگی کودک اتفاق افتاده است، چیزی که او را به خطر می اندازد و امنیت^۳ او را تهدید می نماید. تالوار (۲۰۰۷) می گوید: دروغ یک نشانه است، نشانه ای از مشکل بزرگی که در پشت آن است و کودک برای حفظ امنیت در خود از این راهبرد استفاده می کند. مطالعات طولی نشان می دهند کودک ۶ ساله ای که مرتباً دروغ می گوید در صورتی که دروغگویی برایش راهبرد موفقی جهت مواجهه با موقعیت های سخت اجتماعی شود همچنان دروغگو باقی خواهد ماند. حدود یک سوم کودکان اینگونه اند. اگر کودکی هنوز در سن ۷ سالگی دروغ می گوید بنظر می رسد برایش عادت شده است و در دام دروغگویی افتاده است^۴.

آثار و نشانه های دروغگویی

دروغگویی تغییراتی را در بدن بوجود می آورد که می توان به افزایش تعداد ضربان قلب، افزایش تنفس، رنگ پریدگی، خشک شدن دهان بطوری که زبان به زحمت در دهان حرکت کند، گاهی لکنت زبان، بیهوده گویی بدین معنی که حرف های بی سر و ته می زند و از این شاخه به آن شاخه می پرد، ناتوانی در کنترل اعضا بدن، نگاه های حیرت آور، پیدایش آثار شرم در چهره، طفره رفتن، پافشاری کردن، چانه زنی، تغییر دادن اظهارات اشاره کرد^۵.

1. Taylor, Lussier & Maring, 2003

2. peretending

3. security

4. Leach, 2009

5. Birdwhitesell, 1852; Bull & Vrji, 2001

طبق مطالعات و تحقیقات انجام شده اشخاص دروغگو افرادی بی‌قرار، عصبانی و ناآرام هستند و دروغگویی نشانه ناراحتی هیجانی و روانی آنان است. دروغگو به حرف‌های خود اعتماد ندارد بنابراین به طور قاطع صحبت نمی‌کند. حرف‌هایش را فراموش می‌کند، اعتماد خود را نسبت به دیگران به تدریج از دست می‌دهد و به آنها بدبین می‌شود. مهم‌ترین جنبه دروغگویی عبارت است از تبدیل شخصیت حقیقی و واقعی انسان به شخصیت ساختگی و تصنعی^۱.

کسی که دروغ می‌گوید در واقع می‌خواهد خود را از عالم واقعی بیرون آورده به جهان ساختگی نزدیک سازد. دروغ نه تنها اعتماد را از بین می‌برد بلکه آدمی را در بین جمع، بیگانه می‌سازد، در مواردی باعث پیدایش درگیری و سوء تفاهم‌ها می‌شود. اصول و ضوابط ادب و اخلاق را خدشه دار می‌سازد و ارزش و لذت زندگی را از بین می‌برد.

دلایل دروغگویی

طرفداران یادگیری اجتماعی دروغ را وابسته به موقعیت می‌دانند، روانشناسان رشد آن را مرحله‌ای از رشد کودک به حساب می‌آورند، روانکاوان آن را نشانه‌ای از رشد فراخود^۲ می‌پندارند و برخی از صاحب نظران ریشه‌گریزی آن را در حیوانات به صورت فریبکاری و استتار ذکر کرده‌اند ولی تجربیات روزانه خلاف آن را ثابت می‌کند^۳.

والتر میشل و بندورا و آرون فرید معتقدند رفتار اخلاقی^۴ بیشتر تحت تاثیر شرطی شدن کنشگر^۵ و یادگیری مشاهده‌ای^۶ شکل می‌گیرد. بنابراین هنگامی که کودک توسط والدین تنبیه می‌شود، کاهش می‌یابد و زمانی که تقویت شود افزایش پیدا می‌کند. در مکتب یادگیری اجتماعی، رشد اخلاق یک فرایند مرحله‌ای نیست بلکه مجموعه‌ای از رفتارهای اکتسابی است که تحت تاثیر تاریخچه‌ای از برنامه‌های تشویق، تنبیه و مشاهده الگوهای متنوع شکل گرفته و به صورت عادت در می‌آیند. کودک از خانواده، اجتماع و از کسانی که در اطرافش هستند دروغ را می‌آموزد. به اعتقاد بندورا الگوهای زننده در فیلم و سریال و شخصیت‌های اجتماعی در گسترش ارزش‌ها و اعمال درست اخلاقی نقش موثری دارند.

۴. نقل از شفیع آبادی، ۱۳۸۷.

1. superego

2. peterson, Peterson & Seeto, 1983

3. moral behavior

4. operant conditioning

5. observational learning

تمایل به تکذیب حقیقت یا دروغگویی موضوعی است که کودک به طور مستقیم یا غیر مستقیم با آن آشنا شده و بعدها جزء واکنش های او می شود. پایه گذاری این خطا و رفتار ناپسند از همان دوران کودکی است.

هدف از دروغگویی چیست

معمولاً هدف از دروغگویی، گمراه کردن طرف مقابل و یا به اشتباه انداختن فرد دیگری در امری است تا در سایه آن به هدف و مقصودی که مورد نظرش است برسد. کسی که دروغ می گوید معمولاً قصد دارد از طریق آن به اغفال و فریب دیگران بپردازد و آنها را گول بزند آنچنان که واقعیت ها را در نیابد و دستش را تا رسیدن به مقصود بازگذارند. این هدف یا اهداف ممکن است متعدد و مختلف باشند:

❖ ترس از تنبیه^۱

هنگامی که از کودکان ۵ ساله سوال شود که آیا همیشه دروغ اشتباه است، ۹۲ درصد می گویند بله. ۳۸ درصد کودکان ۵ ساله بی حرمتی به مقدسات را دروغ می دانند. اینکه چرا کودکان فکر می کنند فحش و ناسزا دروغ است؟ به این دلیل که در ذهن آنها دروغ چیزی است که باعث می شود تنبیه یا نصیحت شوند. و وقتی از آنها می پرسند چرا دروغ گفتن اشتباه است؟ بیشترشان پاسخ می دهند که مشکل دروغگویی این است که به خاطر آن تنبیه می شویم. در سن ۱۱ سالگی، ۴۸ درصد کودکان می گویند که مشکل دروغگویی این است که باعث کتمان حقیقت می شود و ۲۲ درصد می گویند گناه است. با این وجود، یک سوم هنوز می گویند که مشکل دروغگویی تنبیه شدن است.^۲

کودکان برای اولین بار دروغ را برای اجتناب از تنبیه می گویند. هر وقت که به نظرشان ممکن است تنبیه شوند یکسره دروغ می گویند. یک کودک ۳ ساله ممکن است بگوید "من خواهرم رو کتک نزدم". در حالیکه پدر و مادر او را در حال کتک زدن خواهرش دیده اند. یک کودک ۶ ساله چنین اشتباهی را مرتکب نخواهد شد. او درباره شیطنتش فقط وقتی حرف می زند که والدین بیرون از اتاق بودند. تنبیه عامل اولیه دروغگویی است.^۳

1. punishment

2. Cole & Cole. 2001

3. Berthoud Papandropoulou & Kilcher, 2003

بررسی‌های علمی نشان می‌دهد که بیش از ۷۰ درصد دروغ‌های کودکان به علت ترس از تنبیه شدن است. بنابراین به کودک اطمینان بدهید که اگر به شما راست بگوید، تنبیه نخواهد شد. اگر کودک به دلیل راستگویی تنبیه شود در آینده نیز برای رهایی از مجازات دروغ خواهد گفت.^۱

❖ تقلید از والدین

کودکان مانند دوربین فیلمبرداری هستند. هر چه را که می‌بینند و می‌شنوند ضبط می‌کنند و بعداً عین همان را انجام می‌دهند. کودکان مخصوصاً بیشتر تحت تاثیر اعمال کسانی که دوستشان دارند، قرار می‌گیرند و والدین نخستین کسانی هستند که کودکان از آنها تقلید می‌کنند. بنابراین، دروغگویی ممکن است بدلیل تقلید از والدین صورت گیرد. برای مثال، پدری که به دلیل اسباب‌کشی سرکارش نرفته و در خانه مانده است به کودک خود می‌گوید: "هرکس آمد یا تلفن کرد بگو پدرم خانه نیست." هرگز گمان نکنید که کودک آن را نمی‌فهمد. او ظاهراً در برابر رفتار شما آرام است اما همان را یاد می‌گیرد و انجام می‌دهد. در اینصورت شما مسئول نتایج نامطلوب رفتار فرزند خود خواهید بود.

❖ نحوه بیان و برخورد والدین

گاهی اوقات نحوه بیان و برخورد پدر و مادر با کودک به گونه‌ای است که او را وادار به دروغ گفتن می‌کنند و دروغگویی را به او آموزش می‌دهند. برای مثال، هنگامی که کودک کار نادرستی انجام داد والدین به او اصرار می‌کنند که او این کار را نکرده است بلکه بچه همسایه یا دوستش یا موجودات خیالی اینکار را کرده‌اند. موقعیت دیگری را تصور کنید که در ابتدا کودک کاری را که نباید می‌کرد انجام داده باشد، بعد از آن برای فرار از مشکل بوجود آمده، منکر انجام آن شود. اما این انکار چنان برای والدین قابل قبول و عادی است که معمولاً پدر و مادرها آن را نادیده می‌گیرند. محققان از مطالعات مشاهده‌ای خود گزارش کرده‌اند که در کمتر از یک درصد چنین مواردی والدین دارند از این فرصت برای آموزش دروغگویی استفاده می‌کنند. در این وضعیت نه تنها والدین او را دروغگو بار می‌آورند بلکه از او حمایت بی‌مورد کرده و باعث می‌شوند که او از پذیرش مسئولیت در برابر رفتارش

1. Poplinger, 2007

سر باز زند و این امر موجب ناهنجاری‌های رفتاری در بزرگسالی خواهد شد.^۱

❖ احساس تحت فشار بودن

اکثر دروغ‌هایی که کودکان به والدین می‌گویند به منظور سرپوش گذاشتن روی خطا و اشتباه‌شان است. آنها ممکن است ناخواسته دست به کاری بزنند که نباید می‌کردند، سپس برای اینکه شما از آن آگاه نشوید آن را مخفی کنند اما سؤالات زیاد شما می‌تواند باعث شود که آنها به شما دروغ بگویند.

❖ آزمون والدین توسط کودک

گاهی کودک دروغی می‌گوید تا بتواند پدر و مادر را آزمایش کرده و عکس‌العمل آنها را در برابر این امر دریابد. برای مثال، سخنی را به دروغ می‌گوید و منتظر عکس‌العمل والدین می‌ماند. اگر عکس‌العمل آنان منفی بود کودک می‌گوید "شوخی کردم" و اگر عکس‌العمل مثبتی نشان دادند کودک به آن ادامه می‌دهد. بنابراین این نوع دروغگویی برای کشف^۲ است نه مسئله دیگر.

❖ تشویق نادرست والدین

گاهی کودک به علت شیرین زبانی دوران خردسالی دروغی مطرح می‌کند و والدین بدون توجه به عواقب آن شروع به تشویق و بوسیدن او می‌کنند کودک نیز روز بعد برای اینکه محبت بیشتری ببیند دروغ بزرگتری خواهد گفت و این امر به تدریج در او به صورت عادت در می‌آید.

❖ حفظ احساسات دوستی

هنگامی که کودکان یکدلی را تجربه کنند و از روابط اجتماعی با خبر شوند، موقع دروغگویی، دیگران را نیز مورد ملاحظه قرار می‌دهند. آنها برای حفظ احساسات دوستی دروغ می‌گویند. در مدرسه ابتدایی "حفظ راز" قسمت مهمی از دوستی است از این رو ممکن است دروغ گفتن بخشی از آن شود.^۳

1. Grossman & Lewis, 2006; Bussey, 2007

2. discovery

3. Talwar, 2007

❖ در نظر گرفتن مصلحت

موقعیتی را تصور کنید کودک هدیه‌ای را باز می‌کند که دوستش ندارد! چه توقعی از او داریم؟ ما به عنوان یک بزرگتر از کودک انتظار داریم تا تمامی عکس‌العمل‌های عصبانیت، ناراحتی و دلخوری را کنار بگذارد و صادقانه لبخند مودبانه‌ای بزند! تالوار (۲۰۰۲) آزمایشی انجام داد تا توانایی کودکان برای بیان دروغ مصلحتی و خودکنترلی از طریق بیانات چهره‌ای را بررسی کند. کودکان طی آزمایش بازی‌های گوناگونی را برای بردن جایزه انجام می‌دادند اما موقعی که سرانجام جایزه را گرفتند دیدند که یک تکه صابون کثیف است. بعد از چند لحظه مکث برای اینکه کودکان از شک بیرون بیایند محقق از آنها پرسید که چه احساسی دارند. حدود یک چهارم پیش دبستانی‌ها و نیمی از کودکان دوره راهنمایی گفتند که از هدیه‌شان خوششان می‌آید.

این دروغ آنها را بسیار ناراحت می‌کرد خصوصاً وقتی از آنها خواسته می‌شد چند دلیل بیاورند که چرا تکه صابون را دوست دارند؟ آنها اخم می‌کردند و به صابون زل می‌زدند و نمی‌توانستند در چشمان محقق نگاه کنند.

در این آزمایش والدین در حال تماشای کودکشان بودند و ملاحظه شد که وقتی کودک دروغ مصلحتی می‌گفت لبخند می‌زدند. تالوار می‌گوید اغلب والدین افتخار می‌کنند که فرزندشان مؤدب است و اینکار را دروغگویی نمی‌نامند. تالوار با وجود تعداد دفعاتی که شاهد این مسئله بوده است باز هم از ناتوانی آشکار والدین در تشخیص این که دروغ مصلحتی نیز دروغ است، تعجب می‌کند.

هنگامی که از بزرگسالان خواسته شد تا دروغ‌هایشان را یادداشت کنند آشکار شد که در برابر هر ۵ برخورد اجتماعی، یک دروغ می‌گویند یعنی به طور متوسط روزی یک دروغ (در مورد افراد کالج دو برابر است). میزان گسترده‌ای از این دروغ‌ها، دروغ مصلحتی هستند تا حس خوبی به دیگران منتقل شود.^۱

با تشویق کودکان برای گفتن چنین دروغ‌های مصلحتی، آنها راحت با دو رو بودن کنار می‌آیند، در واقع عدم صمیمیت جریان عادی هر روزشان می‌شود. آنان در می‌یابند که صداقت فقط باعث درگیری می‌شود در حالیکه نادرستی روش آسانی برای اجتناب از دیگران است و از نظر روانشناسی دروغگویی به والدین راحت‌تر می‌شود. باید بدانیم

1. DePaula, 1996

که کودکان موقعیت‌های دروغ مصلحتی را با دروغگویی برای پوشاندن اعمال اشتباهشان، اشتباه نمی‌گیرند. بنابراین اگر پدر و مادر بگویند: "این کارت‌ها را از کجا آوردی؟! بهت گفته بودم حق نداری پول تو جیبیت رو واسه کارت خرج کنی!" کودک می‌تواند پدرش را متقاعد کند که کارت‌ها، کارت‌های اضافی دوستش هستند و این کار برای کودک بسیار شبیه یک دروغ مصلحتی است.^۱

❖ لو ندادن

کودکان قبل از اینکه بتوانند حرف بزنند با لو دادن آشنا هستند. حدود ۱۴ ماهگی وقتی کودک دیگری اسباب بازی یا کلوچه‌شان را بر می‌دارد با اشاره از مادرشان کمک می‌خواهند بطوریکه از زل زدن و گریه کردن استفاده می‌کنند. و درخواست از والدین به یک عادت تبدیل می‌شود و حدود ۴ سالگی کودکان قانونی را یاد می‌گیرند تا آنها را از این عادت خلاص کند و آن این است "چیزی نگو" یا "لو نده". یعنی والدین از کودکان می‌خواهند که چیزی نگویند و دلیل رفتارشان را اینگونه بیان می‌کنند که کودکان برای حل مشکلات نیاز به قابلیت‌های اجتماعی دارند و اگر والدین همیشه دخالت کنند آنها نمی‌توانند این قابلیت را گسترش دهند. اما دهن‌لقی مورد توجه علمی قرار گرفته است و محققین ساعت‌ها کودکان را در حال بازی تماشا کرده‌اند و دریافته‌اند وقتی کودکی از هر ده بار، نه بار به سمت پدر و مادرش می‌رود تا چیزی را لو بدهد، آن کودک، صادق است. اما از نظر والدین او بسیار دهن‌لق است. کودک هنگامی که بیش از حد توانش تحمل می‌کند سرانجام نزد پدر و مادرش می‌رود، تا حقیقت را به طور صادقانه بگوید اما در جواب این را می‌شنود، "مشکلاتت را به من نگو!" طبق تحقیقات احتمال تنبیه فرزندان برای دهن‌لقی ده برابر سرزنش کردنشان برای دروغگویی است. از این رو، کودکان با قدرت "نگفتن" بزرگ می‌شوند و یاد می‌گیرند بدون آنکه حقیقت را بگویند، خودشان از پس مسائل و مشکلات خود بر بیایند. به همین خاطر هر سال، می‌بینیم مسائل و مشکلاتی که کودکان با آن دست به گریبان‌اند زیادتر می‌شود. برای مثال، آنها بچه‌هایی را می‌بینند که دیوارها را خراب می‌کنند، از مغازه‌ها دزدی می‌کنند، باعث به هم خوردن نظم کلاس می‌شوند، وارد جایی می‌شوند که نباید بشوند، اما برای اینکه برچسب دهن‌لق نخورند، ساکت می‌مانند و چیزی نمی‌گویند. چرا که حرف زدن درباره هر یک از موارد بالا موجب خدشه دار شدن عزت نفس کودکان می‌گردد زیرا به آنها آموخته‌اند که نباید چیزی بگویند و آنها این کار را هنگامی که

1. Talwar, 2007

کوچک بودند یاد گرفته اند اما حالا وظیفه والدین است که به آنها بیاموزند تا حرف بزنند.

❖ جلب توجه کردن

گاهی اوقات بزرگترها سرگرم بحث و گفتگو باهم می شوند و کودکی را که بین آنهاست فراموش می کنند. در این صورت کودک با بیان مسئله ای که واقعیت ندارد لب به سخن می گشاید تا توجه همه را به سوی خود جلب کند.

❖ رهایی از سرزنش

از آنجایی که کودک ذاتاً خودش را دوست دارد در مواردی که دچار خطا شود برای رهایی از خطر سرزنش و تمسخر تن به دروغ می دهد و بر خلاف واقعیت سخن می گوید.

❖ حسادت و رقابت

منشأ برخی از دروغ های کودکان حسادت و رقابت است گاهی کودک می بیند که برادر یا خواهر کوچکترش با شیرین زبانی های خود نظر پدر و مادر را جلب کرده و محبت آنها را به خود جلب کرده است بنابراین چون قدرت انجام عمل و رقابت را ندارد دروغ می گوید تا بدین وسیله خود را نزد والدین دوست داشتنی نشان دهد.^۱

❖ آرزو و امید

دروغ کودک در مواردی می تواند نشان دهنده امید و آرزوی او در رسیدن به یک هدف باشد، بنابراین آرزوهایش را به صورت تحقق یافته آن مطرح می کند.

❖ به بازی گرفتن

گاهی کودک با دروغ های خود، دیگران را بازی می دهد.

❖ ناراحت کردن و کینه جویی

در مواردی دروغ گویی نوعی انتقام گیری است. برای مثال، کودک شیشه ای را می شکند و آن را به خواهرش نسبت می دهد یا کودک سعی می کند با گفتن دروغ پدر و مادر را مضطرب سازد و حتی آبروی آنها را ببرد. اینگونه رفتار در کودکانی که ظرفیت روانی

1. Bronson & Merryman, 2009

2. Ross & Bak Lammers, 1998

مناسبتی ندارند و اغلب احساس ضعف و حقارت می‌کنند، بیشتر دیده می‌شود.

❖ خودنمایی

گاهی کودک برای اینکه در میان جمع خود را دست کم نگیرد به گزافه‌گویی می‌پردازد و به دروغ از خود یا خانواده‌اش تعریف می‌کند. بدین ترتیب که قدرت یا شایستگی قابل تمجیدی را به خود یا والدینش نسبت می‌دهد. برای مثال، می‌گوید که پدرش صاحب مقام و پولدار است. این نوع دروغگویی اغلب در کودکان محروم از محبت یا دارای احساس حقارت دیده می‌شود.

❖ کسب منافع

گاهی کودک با گفتن دروغ می‌خواهد خود را به منفعی برساند که بزرگترها او را به انجامش وا داشته‌اند. برای مثال به او گفته‌اند اگر در فلان درس نمره بیست بگیری برایت اسباب بازی مورد علاقه‌ات را خواهیم خرید.

❖ تفکر پیش عملیاتی^۱

در کودکان کمتر از ۵ سال به فراوانی دیده می‌شود که بین واقعیت و تخیل تفاوتی قابل نیستند و این امر در گفته‌هایشان نمود پیدا می‌کند از این رو دروغگویی آنها جنبه تخیلی دارد. برای مثال، کودکان این دوره هر چه را که فعال (حرکت دارد) است جاندار می‌پندارند. هنگامی که از کودک بپرسد آیا خورشید جاندار است او می‌گوید: "بله، زیرا نور می‌دهد" و همان بچه می‌گوید که کوه جاندار نیست زیرا کاری نمی‌کند. دلیل پاسخش این است که طرز فکر او اغلب زنده‌گرایانه^۲ یا جاندار پندارانه است یعنی فکر می‌کنند که اشیاء بی‌جان، زنده و دارای احساس هستند. برای مثال، وقتی از کودکی که سه چرخه‌اش برای چندمین بار شکسته است بپرسید فکر می‌کنی چرا سه چرخه‌ات شکسته است او می‌گوید: "فکر کنم اضطراب داره برای همین هی می‌شکنه".

❖ عادت و تربیت غلط

عده‌ای نیز هدف معینی از دروغگویی ندارند بلکه بر اثر عادت و تربیت غلط دروغ می‌گویند.

1. preoperational thinking

2. animistic

دروغگویی می تواند بدلیل دستیابی به جاه و مقام شخصی، فراموشی، عدم تفاهم، نا آگاهی، شتابزدگی و نیز در قالب داستان سرایی رخ دهد.

❖ دروغگویی در چه کودکانی بیشتر دیده می شود

- ☞ کودکانی که به صورت افراطی خواستار جلب توجه و محبت اند.
- ☞ کودکانی که شجاعت لازم و کافی را ندارند و ترسو هستند.
- ☞ کودکانی که تکلیف بسیار دشواری بر آنها تحمیل شده و قدرت تحمل آن را ندارند.
- ☞ کودکانی که قدرت نیاز در آنها نیرومند و دستیابی به هدف برایشان دشوار است.
- ☞ کودکانی که ضعیف، عصبی و یا هیجانی هستند.
- ☞ کودکانی که ایمانشان ضعیف است و فشار و اعمال قدرت شما بر آنها زیاد می باشد.
- ☞ کودکانی که دوران کودکی توأم با محرومیت و نابسامانی بسیار داشته اند و محبت کافی ندیده اند و بالاخره آنهایی که از تربیت کافی و لازم برخوردار نیستند.

روش‌های اصلاح و درمان دروغگویی

◀ روش‌های اصلاح و درمان دروغگویی

اینکه آیا امکان اصلاح کودک دروغگو وجود دارد یا نه؟ پاسخ مثبت است زیرا کودک در مرحله آغاز زندگی است و امکان ایجاد هر گونه تحول و تغییری در او وجود دارد و او بیش از هر سن دیگری تغییرپذیر است. از این رو، پیشنهاد می‌شود گام‌های زیر را به کار گیرید:

◀ تشخیص علت دروغگویی کودک

باید بدانیم چرا کودک دروغ می‌گوید؟ چه انگیزه و عللی او را به دروغ وا داشته‌اند؟ هدف از این نوع دروغ چیست؟ دروغگویی به عنوان یک مشکل علت‌های مختلفی دارد.

◀ زمینه‌سازی تشخیص دروغ از واقعیت در کودک

پس از تشخیص علت یا علل، زمان دادن آگاهی و اطلاعات لازم است. اگر کودکی در اثر اشتباه در بیان تخیل و واقعیت دروغی گفته است باید متوجه تفاوت بین واقعیت و خیال شود. برای کمک به کودک دو، سه یا چهار ساله می‌توانید موارد زیر را بکار گیرید:

✓ بازی بهترین موقعیت برای آموزش است. بنابراین بازی، تماشای تلویزیون به ویژه کارتون، موقعیت‌های فراوانی دارند که می‌توانید تفاوت بین واقعیت و تخیل را با کودک تمرین کنید. برای مثال، آیا یک الاغ می‌تواند تبدیل به یک آدم شود؟ آیا مرد عنکبوتی

وجود دارد؟ آیا دیو و پری و جادوگر واقعی هستند؟ بعد از مطرح کردن سوال، درباره اینکه آیا امکان وقوع چنین چیزهایی ممکن است یا نه با کودک صحبت کنید. آنگاه شرح بدهید که چرا بله و چرا نه!

✓ به کودکان کمک کنید تا تفاوت بین رویا و واقعیت را دریابد و بفهمد که هر چه در رویا باشد و ما آرزوی آن را داریم، واقعیت پیدا نمی‌کند. پسری به دوستش می‌گفت که یک سگ دارد و در حال توصیف سگ پشمالو و زیبایش بود. در حالیکه او اصلاً سگ نداشت. مادرش به او گفت درست است که او گاهی با سگ پارچه‌ای خود بیرون می‌رود، قلاده‌اش را می‌گیرد و صدای سگ از خودش در می‌آورد؛ ولی هنوز یک سگ واقعی ندارد. بنابراین مادر می‌تواند به کودک پیشنهاد کند تا به دوستش بگوید که شوخی کرده و واقعیت ندارد.

گفته می‌شود که استفاده کودکان از تخیل در انکار واقعیت جنبه مهمی از رشد خود و سیانت نفس می‌باشد اما هنگامی که این امر تا بزرگسالی ادامه یابد تبدیل به دروغ‌گویی بیمارگونه^۱ می‌شود. ایگوئی این افراد در دوره کودکی تثبیت شده است.^۳

بسیاری از افراد دارای دروغ‌گویی بیمارگونه نشانه‌هایی از اختلال نقص توجه / بیش‌فعالی (ADHD)^۲ و اختلال وسواس بی‌اختیاری (OCD)^۵ را دارند که از طریق دارو و یا روش‌های دیگر قابل درمان هستند. و برای دروغ‌گویی بیمارگونه در اختلالات شخصیت ترکیبی از درمان‌های دارویی و درمان رفتاری شناختی پاسخ می‌دهد. بررسی جالبی درباره دروغ‌گویی بیمارگونه در ژورنال روانپزشکی انگلستان در اکتبر سال ۲۰۰۵ به چاپ رسیده است که در آن آمده است مغز کسی که دروغ‌گویی بیمارگونه دارد ممکن است تفاوت اندکی با مغز افراد راستگو داشته باشد. افراد دارای

۱. pathological lying: واژه دروغ‌گویی بیمارگونه به معنی دروغ‌گویی غیر قابل کنترل است و کسی که مظنون به دروغ‌گویی بیمارگونه باشد به عنوان یک بیمار مورد توجه قرار می‌گیرد زیرا کنترلی بر دروغ‌گویی خود ندارد اما روانشناسان و روانپزشکان دروغ‌گویی بیمارگونه را به عنوان یک بیماری نمی‌پذیرند (الیس کریستنسن، ۲۰۱۰). این افراد غالباً در طبقه اختلال شخصیت پسیکوپاتیک قرار می‌گیرند. خصوصیات اصلی آن، ساختن داستانهای مهیج و دروغین است که بدون استثناء خود شخص نقش محوری را در آن دارد (پورافکاری، ص ۱۳۸۲، ۸۴۰).

2. ego

3. Dike & Baranowski & Griffith

۴. Attention Deficit and Hyperactivity Disorder: دارای سه نشانه است که عبارتند از: کمبود توجه، بیش‌فعالی و تکانشگری. شروع اختلال قبل از ۷ سالگی است و علائم باید بمدت ۶ ماه دوام داشته باشند. چنین کودکانی معمولاً نمی‌توانند آرام بنشینند، در بازیهای گروهی تحمل رعایت نوبت را ندارند، غالباً قبل از اینکه سوال تمام شود پاسخهایی می‌پرانند، حواسشان براحتی پرت می‌شود، زیاد صحبت می‌کنند، در کار دیگران مداخله می‌کنند و بنظر می‌رسد به آنان گفته می‌شود توجهی ندارند (نقل از پورافکاری، ص ۱۳۸۲، ۳۳۱).

در حال حاضر خود اختلال را نمی‌توان درمان کرد اما مشکلات ثانوی را می‌توان از طریق شیوه‌های درمانی مانند دارو درمانی، رفتار درمانی و اصلاح شناختی رفتاری که مهمتر و مفیدتر از سایر شیوه‌ها هستند درمان کرد (نقل از علیزاده، ص ۱۳۸۸، ۱۰).

۵. Obsessive Compulsive Disorder: وسواس بمعنای تکراری، دست و پاگیر و مزاحم می‌باشد و بی‌اختیاری عبارتست از رفتارهایی یکپوخت و کلیشه‌ای که کودک احساس می‌کند مجبور به انجام آنهاست. این اختلال نسبتاً نادر است. مهمترین اختلالات وسواس بی‌اختیاری در کودکان عبارتند از: ریاضی یا عددی، کلمه سازی، لمس، شک، سوال کردن و استمنا (نقل از سیف نراقی و نادری، ص ۱۳۷۹، ۱۰۶).

دروغگویی بیمارگونه در قطعه پیشانی کرتکس مغزشان ۲۶ درصد ماده سفید بیشتری نسبت به افراد دارای اختلالات شخصیت دیگر که دروغگویی نداشتند نشان دادند. بدیهی است که ماده سفید مغز با توانایی در دروغگویی در ارتباط است. نمونه بارز مقدار کم ماده سفید در مغز افراد دارای سندرم اوتیسم^۱ است که بطور کلی نمی‌توانند دروغ بگویند.^۲

کودکان بزرگتر از ده ساله‌ای که به طور مداوم دروغ‌های بزرگ می‌گویند، ممکن است دچار مشکلات جدی عاطفی و روانی باشند. برخی از کودکان نمی‌توانند بین رویا و واقعیت تفاوتی بگذارند. برخی دیگر می‌دانند که به رویا بافی مشغولند، ولی اصلاً از این موضوع احساس ناراحتی نمی‌کنند. تمام این کودکان به مشورت با یک متخصص نیازمندند. در صورت دروغگویی مداوم و جدی، از یک متخصص کمک بخواهید.^۳

◀ ایجاد محیط سالم در خانه

خانواده‌ها باید اهمیت صداقت را در زندگی شخصی‌شان در نظر بگیرند. وی اکثر اوقات کردار و رفتار والدین است که به کودکان نشان می‌دهد صداقت و راستی را مورد تقدیر ویژه قرار دهند. ما صراحتاً به آنها نمی‌گوییم دروغ بگویند اما آنها ما را در حال دروغگویی می‌بینند. می‌بینند که به مغازه دار می‌گوییم من اینجا فقط یک مهمان هستم و می‌بینند که برای آسان کردن روابطمان لاف می‌زنیم.^۴ یکی از والدین می‌گوید: "به کودکانم یاد دادم که دروغگویی مال آدم‌های بد و جادوگرهاست، آدم‌های خوب و فرشته‌ها هرگز دروغ نمی‌گویند." چنین پیامی می‌تواند باعث شود کودکان استنباط کنند کسی که آدم خوبی است می‌تواند به صداقت در گفتارش اعتماد کرد اما ممکن است برای کودکانی که می‌بینند والدین یا اطرافیان‌شان برای رسیدن به اهدافشان دروغ می‌گویند گیج کننده باشد.^۵ از آنجایی که در کودکی جنبه نقش‌پذیری و تقلید در کودک بسیار فعال است محیط خانه و تربیت کودک باید بدون هرگونه دروغ و فریب کاری باشد.

6. Autism

7. Ellis Christensen

2. Talwar, 2006

3. Lewis, 1993

◀ ایجاد ارتباط صمیمی و احساس اعتماد در کودک

بسیاری از کودکان به این دلیل به ما دروغ می‌گویند که فرصت و امکان راست‌گویی را از آنها گرفته‌ایم. اگر به آنها بگوییم که آزادند بدون ترس و وحشت از تنبیه و سرزنش، مسئله و مشکل خود را با ما در میان بگذارند و نیازهای خود را به ما بگویند دیگر مشکل دروغ‌گویی نخواهند داشت. اصولاً محیط صادقانه و صمیمی در تربیت و اصلاح افراد موثر است.

◀ باعث دروغ‌گویی کودک نشوید

آیا هیچ‌گاه در خانه‌تان چیز شکسته‌ای پیدا کرده‌اید که بعد فهمیده‌اید کار یکی از فرزندان‌تان بوده است؟ مثلاً وقتی پرسید کی کنترل تلویزیون را خراب کرده؟ ممکن است این چیزها را بشنوید "من اون رو توی دستم گرفته بودم و فقط بهش نگاه می‌کردم" تنها چیزی که نمی‌شنوید این است که او و برادرش آن را دور تا دور اتاق مثل توپ فوتبال به یکدیگر پاس دادند و بعد آن خورد به دیوار.

کودکان براحتی از حرفی که بتواند آنها را گرفتار کند فرار می‌کنند. به این عبارات‌ها توجه کنید:

"از این به بعد ..."

"همه‌اش اتفاقی بود ..."

"آهای ببین ..."

"چیز دیگری که می‌دانم ..."

"قبل از اینکه خیلی دیر شود ..."

"قبلاً فهمیده بودم که اون ..."

وقتی شما از عبارات‌هایی شبیه یکی از موارد ذکر شده بعنوان جواب صحبت‌های کودکان استفاده می‌کنید به طور قطع کودکان تمام اطلاعاتی را که شما برای پی بردن به اصل ماجرا نیاز دارید به شما نخواهد گفت! در چنین شرایطی حتی راست‌گوترین کودکان نیز دروغ می‌گویند. بنابراین توضیه می‌شود:

✓ سوال نکنید. به جای سوال کردن به صورت جمله خبری به کودک بگویید که چه کاری کرده است. بهتر بود مادر می گفت: "واقعاً از دستتان عصبانی ام، چون با کنترل تلویزیون بازی کردید و آن را شکستید!"

✓ وقتی واضح و آشکار است که کودک آن را انجام داده، انکار کودک را نادیده بگیرید و به اصل ماجرا بپردازید. اگر کاملاً اطمینان ندارید که کودک مقصر است، باز هم سوال نکنید. نظراتان را به طور واضح بیان کنید. اگر کنترل تلویزیون شکسته است و شما واقعاً فکر نمی کنید که تقصیر برادر کوچکتر باشد به کودک بزرگتر بگویید: "فکر نمی کنم کار برادرت باشد، به نظرم تو این کارو کردی!"

◀ ایمن کردن کودک از تنبیه و مجازات

برای درمان دروغگویی کودک هرگز به تنبیه متوسل نشوید، زیرا این نوع درمان، سطحی و یک بازدارنده موقتی است و این رفتار ناپسند را از بین نمی برد. تنبیه و سرزنش برای مواردی است که عمدی در کار باشد، بعلاوه اگر در همان کار عمدی نیز حرف راستی گفته شود باید میزان مجازات کمتر در نظر گرفته شود. فرزندان ما باید در خانه احساس آرامش و اطمینان کنند و مطمئن باشند که خطاهای غیر عمدشان بخشوده می شود، به توصیه های زیر توجه کنید:

✓ کودک را برای راستگویی اش مورد تحسین قرار دهید. این روش ساده ترین راه برای تشویق به راستگویی است. مطمئن شوید که تحسین کودک متناسب با سنش باشد. برای مثال، اگر با کودک سه، چهار ساله ای روبرو شوید که شیشه مربا را شکسته است و در حالیکه مکث کوتاهی کرده به جای اینکه بگوید من نکردم می گوید "بخشید!" فوراً به او بگویید از راستگویی او بسیار خوشحال هستید و رفتارش عالی است؛ بعد جریمه ای برای شکستن شیشه مربا تعیین کنید.

✓ برای راستگویی به کودک پاداش بدهید. اگر کودک به شما راست می گوید که کجا بوده به او بگویید از این به بعد به او اطمینان دارید و به او اجازه می دهید به جاهای بیشتری برود. اگر دیدید همیشه کودک سر وقت بر می گردد و فقط به محل های مجاز می رود، این رویه را ادامه دهید و به او اطمینان کنید. اگر کودکتان قبل از اینکه شما بفهمید نزد شما آمد و گفت که چه کار کرده، او را کمتر از حالت معمول تنبیه کنید. البته

اجازه ندهید کودک از این روش برای فریب دادن شما استفاده کند. وقتی رفتار راستگویی را در کودک تقویت و تثبیت کردید تحسین‌ها و پاداش‌ها را به تدریج کاهش دهید. ✓
 دفتری برای راستگویی کودک تهیه کنید و هر روز اعمال و رفتار خوب کودک از جمله راستگویی وی را در آن بنویسید. در حضور کودک، برخی از یادداشت‌ها را برای افراد دیگر بخوانید!

اگر دروغگویی کودک مورد نظارت و رسیدگی قرار نگیرد منجر به اختلال دروغگویی سواسی^۲ در کودک می‌گردد. گاهی مشکل دروغگویی و سواسی در کودکان می‌تواند راه را برای اختلالات رفتار اجتماعی مانند ADHD/ADD^۳ باز کند. اولین قدم در درمان شخص دارای دروغگویی و سواسی این است که وی مشکل خود را بفهمد و بپذیرد. از آن جایی که دروغگویی و سواسی جزئی از وجودشان می‌شود دستیابی به این آگاهی واقعاً مشکل است. از اینرو اولین قدم در اثربخشی درمان، پذیرش است. قبل از درمان ارزیابی ذهنی بعمل می‌آید. درمان دروغگویی و سواسی می‌تواند شامل روان‌درمانی، رفتار درمانی، جلسات مشاوره، دارودرمانی و درمان‌های دیگر باشد.^۴

◀ پذیرش^۵ دروغگویی از طرف کودک

اقرار به دروغ از طرف کودکان پاسخی است که به دنبالش هستید. آیا وقتی کودک بپذیرد که اشتباهی انجام داده است او را تنبیه می‌کنید؟ وقتی کودک مسئولیت رفتارش را پذیرفت، آن موقع مطمئن می‌شوید که رفتار کودک رفتاری بوده که شما از آن متنفر بودید و کودک فهمیده که برای شما شخص مهمی است. این نکته‌ای است که وقتی کودک آن را بفهمد می‌تواند مسئولیت دروغ خود را بپذیرد، خودش را مسئول نتایج آن بداند و بعد رفتارش را اصلاح کند. بعنوان پدر و مادر باید فرصت اصلاح رفتار را به کودک بدهید. او را آگاه کنید که چرا رفتارش غیر قابل پذیرش است و بعد درباره رفتارهای مناسب به او آگاهی بدهید.^۶

۱. گاربر، ۱۳۸۸

2. compulsive lying

3. Attention Deficit and Hyperactivity Disorder/Attention Deficit Disorder

1. Karta, 2009

2. acceptance

3. Walters, 2001

◀ پذیرش کودک از طرف والدین

والدین و مربیان عملاً باید نشان دهند که آماده پذیرش کودک و حتی خطاهای او هستند. حاضرند به حرف‌های او گوش دهند و به احساسات و عواطف او احترام بگذارند. در برابر لغزش او خشونت به خرج ندهند و آبرویش را در بین جمع حفظ نمایند. این امر زمینه و امکان دروغگویی را از کودک می‌گیرد و او را در مسیر اصلاح قرار می‌دهد.

◀ رازدار بودن والدین

گاهی برخی از فرزندان، حقایق خود را با والدین در میان نمی‌گذارند زیرا احساس می‌کنند آنها رازدار نیستند و اگر حقیقت مسئله را بدانند آن را نزد این و آن بازگو می‌کنند و در آن صورت آبروی کودک می‌رود. اگر کودک احساس کند آبرویش رفته است، فردی خطرناک خواهد شد و همیشه به فتنه‌گری و دروغ خواهد پرداخت. و همواره باید در مورد حرف‌هایی که می‌زند تأمل کرد.

◀ نصیحت کردن کودک

نصیحت کردن در کودکان بیشتر تاثیر دارد زیرا آنان هنوز از فطرت پاک خود فاصله چندانی نگرفته‌اند و درون ضمیرشان پاک و صاف است. بیان اینکه خدا از آدم دروغگو راضی نیست می‌تواند در بازداشتن او از این کار تاثیر داشته باشد. بهتر است والدین به کودک بفهمانند که خود آنها هم وقتی به سن کنونی فرزندان خود بودند اغلب خطاهایی نظیر آنچه از آنها سر زده مرتکب می‌شدند که با ارائه راه‌های صحیح از طرف بزرگان خانواده اصلاح شده‌اند!

◀ چشم‌پوشی از دروغ کودک

در مورد کودکان خردسال دروغشان اعتماد به نفس آنها را که کودکان خوبی هستند و کارهای خوبی می‌کنند به چالش می‌طلبد از این رو بخشش در خانه برای تربیت فرزندان در رعایت ضوابط اخلاقی ضروری است ولی زیاده روی در آن، درست نیست. برای وا داشتن کودک به راستگویی ضروری است در بعضی موارد، از برخی خطاهای کودک چشم‌پوشی کنیم. حتی رعایت عدالت ایجاب می‌کند که او در مواردی

کارهای جزئی خود را که آشکار شدن آنها موجب شرمندگی و خجالتش می‌شوند از ما پنهان کند البته در صورتی که ضد اخلاقی نباشد.

◀ محدود کردن توقعاتمان از کودک

از کودک انتظار نداشته باشید که همه خواسته‌های شما را برآورده کند و کاری را که شما از انجامش ناتوان هستید یا تنبلی‌تان می‌آید آن را انجام دهید، او برایتان انجام دهد.

◀ محبت کردن به کودک

باید به کودک محبت کرد به طوری که او گرمی و لذت آن را بچشد و احساس کند. محبت باعث می‌شود که کودک نیازی به تظاهر نداشته باشد و به دروغ و فریب رو نیآورد. محبت او را وادار می‌کند در مسیری حرکت نماید که والدین برای او ترسیم کرده‌اند. البته این محبت آن است که در مواردی خطای او نادیده گرفته شود و اگر هم خطایی مستحق تنبیه انجام داد او را ببخشید.

◀ بیان عواقب و نتایج دروغگویی

کودکان سن و تجربه‌ای ندارند تا در سایه آن بتوانند آینده را آنچنان که هست ببینند و یا تجربیات زیادی ندارند تا بتوانند عواقب نامطلوب وضعی را که در اثر دروغ پدید خواهد آمد درک کنند. در اینجاست که والدین و مربیان می‌توانند به کمک داستان‌های مربوط به دروغگویی^۱ و بیان نتیجه آن، کودک را راهنمایی کنند. البته داستان‌گویی از همان سنین نوباوگی زمانی که کودک هنوز وارد این مرحله نشده است موثرتر می‌باشد^۲.

◀ هشدار دادن به کودک

معمولاً تلاش می‌کنیم به کودک بفهمانیم که راه او راهی نادرست است. البته این سخنان برای همه کودکان قابل فهم نیست. این کار مستلزم آن است که کودک از قبل بداند که دوست داشتن والدین چه معنایی دارد و دوست نداشتن‌شان چه زیان‌هایی برای او خواهد داشت. بعدها می‌توان به او گفت که خدا این کار را دوست ندارد و چیزی را که خدا دوست نداشته باشد برایش عقوبت و مجازات تعیین می‌کند، او را به

۱. می‌توانید داستان چوپان دروغگو را بخوانید.

2. Arruda, 2007

جهنم می‌برد و از محبت‌ها و لذت‌ها محروم می‌کند.

◀ اعلام نارضایتی والدین

پدر و مادر با نشان دادن حالت خود (غیر کلامی)^۱ و با بیان خویش (کلامی)^۲ به او تفهیم کنند که از عمل او راضی نیستند، دوست ندارند دروغ او را بشنوند و از اینکه او در حضور جمع دروغی به این بزرگی گفته، خوشحال نیستند. والدین در مواردی با نشان دادن قیافه مظلومانه و حق به جانب به او نشان دهند که آبرویشان با این دروغ رفته است و آنها از این مسئله ناراحت هستند. باید مسئله را به گونه‌ای در ذهن کودک بزرگ کرد تا دیگر این حالت تکرار نشود.^۳

◀ بیان شرایط ارزشمند بودن کودک

والدین و مربیان باید به کودک تفهیم کنند که اگر برای او ارزش و احترامی قائلند بخاطر صداقت او ست و اگر صداقت و درستی را رعایت نکند احترامی نخواهد داشت. به او تفهیم کنند که باید به آن اندازه از رشد اخلاقی برسد که اگر راستگویی به ضرر و زیان او باشد باز هم راست بگوید و صراحت و قاطعیت را از دست ندهد. کودکان و حتی بزرگسالان باید بدانند که محبوبیت ارزشمند از طریق راستگویی به دست می‌آید نه دروغ و فریبکاری. بنابراین به او میدان حرکت و تلاش بدهید و او را آزاد بگذارید تا خود را بیازماید و قدرت و ظرفیت خود را کشف کند و برای اثبات ارزش وجودی خود نیازمند به دروغگویی نباشد.^۴

◀ ندادن فرصت به کودک

اگر نمی‌توانید کسی را از دروغگویی بازدارید می‌توانید از اینکه قربانی دروغش باشید اجتناب کنید. تنها عامل کلیدی دروغگویی که اندکی به آن کنترل دارید، فرصت دادن به فرد دروغگوست و شما با ندادن فرصت به او باعث می‌شوید تا نتواند به شما دروغ بگوید. همیشه به نقش‌تان در موقعیتی که کسی به شما دروغ می‌گوید توجه کنید شاید خودتان این فرصت را به او داده‌اید!

3.nonverbal

4.verbal

5.Davis,1998

2.Lee,2007

◀ ایجاد سرخوردگی در کودک

در مواردی که دروغگویی کودکان تکرار شود می‌توان در حد اعتدال سرخوردگی در او ایجاد کرد، برای مثال موقعی که سرگرم دروغگویی است با قیافه‌ای گرفته، بدون لبخند و بدون تائید با او مواجه شوید و در برابر حرف‌هایش بی‌تفاوت باشید، و میان صحبتش، خودتان با فرد دیگری صحبت کنید و موضوع بحث را عوض کنید تا بفهمد موفق نشده است.

هشدار به والدین درباره تنبیه کودکان

برخی از والدین هنگامی که هیچ یک از موارد بالا فایده‌ای نداشته باشد کودک را تنبیه می‌کنند تا او را از دروغگویی دور سازند. البته این روش چندان عملی نیست. اسکینر بدلالی استفاده از تنبیه در خاموش کردن یک رفتار نامطلوب را رد می‌کند که به ذکر آن می‌پردازیم:

① تنبیه در دراز مدت بی اثر است - تنبیه تنها اثری ناپایدار بر جای می‌گذارد یعنی صرفاً بطور موقت باعث می‌شود تا رفتار ظاهر نشود و هنگامی که دیگر تهدید تنبیه وجود نداشته باشد، باز هم بروز خواهد کرد. مثلاً کودک در غیاب افرادی که او را تنبیه می‌کنند ممکن است به کودکان فحش بدهد، شیشه بشکند، با بزرگترها بی ادبانه رفتار کند و غیره. این کودک یاد گرفته که در حضور فرد تنبیه کننده این رفتار را ظاهر نسازد اما دلیلی نمی‌بیند که در غیاب عامل تنبیه کننده این رفتارها را انجام ندهد.

② تنبیه آثار هیجانی نامطلوبی به بار می‌آورد - فردی که تنبیه می‌شود می‌ترسد و این ترس به هر آنچه که هنگام تنبیه شدن او حضور دارند تعمیم می‌یابد. مثلاً اگر کودک را در حمام خانه بفرستید که تنبیه شود، هر گاه برای حمام کردن او را به داخل حمام ببرید هیجان ترس را بروز خواهد داد.

③ تنبیه به فرد نشان می‌دهد که چه کاری نکند نه اینکه چه کاری بکند - در مقایسه با تقویت کردن، تنبیه عملاً هیچ گونه اطلاعی در اختیار ارگانسیم قرار نمی‌دهد. تقویت نشان می‌دهد رفتاری که کودک انجام داده، موثر بوده است. تنبیه غالباً می‌گوید که رفتار فرد موثر نبوده و نیاز به یادگیری بیشتری دارد، اما چیزی را به فرد یاد نمی‌دهد.

④ تنبیه صدمه زدن به دیگران را توجیه می‌کند - این امر در مورد کودکان بیشتر صادق است زیرا وقتی کودکان تنبیه می‌شوند تنها چیزی که یاد می‌گیرند این است که در بعضی موقعیت‌ها صدمه زدن به دیگران جایز است.

① تنبیه نسبت به فرد تنبیه کننده پرخاشگری ایجاد می کند - تنبیه در شخص تنبیه شده پرخاشگری ایجاد می کند بطوریکه ممکن است او به صورت کلامی یا جسمی به فرد تنبیه کننده حمله کند.

① تنبیه اغلب یک رفتار نامطلوب را جانشین رفتار نامطلوب دیگری می کند- کودکی که برای ریخت و پاش چیزها تنبیه می شود، یک بچه گریه کن از آب در می آید، درست مثل شخصی که به دلیل دزدی تنبیه می شود و در فرصت مناسب به جرایم سنگین تری دست می زند.

استفاده از تنبیه در مقابل استفاده از پاداش یک روش کاملاً ناکارآمد برای مادران در تربیت درست فرزندان شان است. شواهد نشان می دهند مادرانی که کودکان خود را برای مدفوع کردن در شلوار تنبیه می کردند فرزندان شان مبتلا به شب ادراری شدند. مادرانی که کودکان خود را برای وابسته بودن به دیگران تنبیه می کردند از مادرانی که کودکان خود را برای این کار تنبیه نمی کردند کودکان وابسته تری داشتند. تنبیه شدید بدنی با پرخاشگری شدید و مشکلات تغذیه کودکان همراه بود.

پس چرا تنبیه کاربردی چنین فراوان دارد؟

عمل تنبیه برای شخص تنبیه کننده، تقویت کننده است. بی تردید تنبیه شدید بلافاصله میل به انجام رفتار نامطلوب را کاهش می دهد. شکی نیست که این نتیجه دلیل استفاده فراوان از تنبیه است!

ملاحظات پایانی

محیط خانواده مهمترین عامل سازنده شخصیت کودک است و پدر و مادر برای کودک، نخستین الگوها به شمار می روند. بنابراین قبل از هر چیز، خودتان باید راستگو و درست کردار باشید و نباید بین اعمال شما و اندرزهایی که به کودک می دهید تفاوت وجود داشته باشد. هرگز به کودک قولی ندهید که قادر به انجام آن نباشید.

به یاد داشته باشید که هرگاه به کودک قولی می دهید باید تا جایی که امکان دارد به آن عمل کنید زیرا در غیر اینصورت، کودک توجهات شما را درک نخواهد کرد و شما را متهم به دروغگویی خواهد نمود؛ در صورت تکرار بدقولی تان، زشتی دروغگویی نزد کودک از بین می رود و او دروغگویی را مسئله ای بی اهمیت تلقی خواهد کرد.

باید بدانید که با استفاده از تنبیه نمی توانید دروغ را از ذهن کودکان پاک کنید بلکه تنها بطور موقت جلوی دروغگویی او را آن هم در نزد خود می گیرید و احتمالاً کودکان در فرصتی مقتضی به این کار اقدام خواهد کرد.

اگر می خواهید راستی و درستی را در کودکان پرورش دهید باید آماده شنیدن حقایق تلخ و شیرین از زبان کودک باشید. باید به کودک اجازه دهید تا احساسات مثبت و منفی خود را بدون ترس و واهمه بیان کند. عکس العمل شما در مقابل حرف هایش زمینه فکری او را در مورد فایده و مضرات راستگویی شکل می دهد.

هرگز کودک را در مورد موضوعی که مایل به دانستنش هستید سؤال پیچ نکنید. اطفالی که مورد بازخواست قرار می گیرند ناراحت و دست پاچه می شوند، بخصوص اگر شک کنند که شما پاسخ سؤال را می دانید. بنابراین از مطرح کردن سئوالاتی که جنبه تله و دام دارد و کودک را وادار به دروغگویی می کند پرهیزید.

هرگاه از کودکان دروغی شنیدید موضوع را زیاد بزرگ نکنید، او را وادار به اعتراف نکنید، با خشم و عصبانیت با او برخورد نکنید، می توانید با خونسردی به او بگویید که دروغ گفتن ضرورتی ندارد. هرگز از کودک توقع انجام کاری که خارج از توان جسمی و ذهنی اش است را نداشته باشید. کودک از رنجش پدر و مادر می ترسد و نگران می شود و برای اینکه علاقه و محبت شما را از دست ندهد متوسل به دروغ

می‌شود.

هرگز کودکان را تحقیر نکنید. خانواده‌هایی که دائماً کودکان را تحقیر می‌کنند و وی را دست کم می‌گیرند باعث می‌شوند تا کودک برای ارضای حس خودنمایی خود و نشان دادن عرضه خویش، متوسل به دروغ‌های عجیب و غریب شود.

کودکستان را با کودکان دیگر یا با خواهر برادرش مقایسه نکنید زیرا با این کار حس حسادت وی را تحریک می‌کنید و خود حسادت باعث دروغ‌گویی کودک می‌شود.

خودتان برای کودک الگوی مناسب و مطلوبی باشید و با اعمالتان به او بفهمانید که طرفدار راستی و صداقت هستید حتی اگر به ضرر شما باشد. توجه داشته باشید که تنها حرف زدن کافی نیست بلکه کودکان از اعمال شما یاد می‌گیرند!

اگر کودکان الگویی از دروغ‌گویی پیدا کرده و یا در مورد مسائل مهمی دروغ می‌گویند، و حتی بعد از معلوم شدن حقیقت نیز بر دروغ خود اصرار می‌ورزد، روش منطقی این است که با روانشناس کودک مشورت کنید.^۲

۱. معتمدی، ۱۳۷۴
۲. پنتلی، ۱۳۸۴

منابع فارسی

- احدی، حسن و جمهری، فرهاد. (۱۳۸۴). روانشناسی رشد. انتشارات بنیاد.
- بوالهری، جعفر. (۱۳۷۴). بهداشت روان. انتشارات بشری.
- پنتلی، الیزابت. (۱۳۸۴). راهنمای کامل تربیت کودک. ترجمه اکرم قیطاسی، انتشارات صابرین.
- پورافکاری، نصرت الله. (۱۳۸۲). فرهنگ جامع روانشناسی - روانپزشکی انگلیسی - فارسی. انتشارات فرهنگ معاصر.
- پیاز، ژان. (۱۳۷۹). قضاوت‌های اخلاقی کودکان. ترجمه محمد علی امیری، انتشارات نی.
- سیف نراقی، مریم و نادری، عزت الله. (۱۳۷۹). اختلالات رفتاری کودکان و روش‌های اصلاح و ترمیم آن. انتشارات بدر.
- شفیع آبادی عبدالله. (۱۳۸۷). راهنمایی و مشاوره کودک (مفاهیم و کاربردها). انتشارات سمت.
- شعاری نژاد، علی. (۱۳۷۸). روانشناسی رشد. انتشارات اطلاعات.
- علیزاده، حمید. (۱۳۸۶). اختلال نارسایی توجه/ فزون جنبشی، ارزیابی و درمان. انتشارات رشد.
- کرین، ویلیام سی. (۱۳۸۲). پیشگامان روانشناسی رشد. ترجمه فرید فدایی، انتشارات اطلاعات.
- کی نیا، مهدی. (۱۳۸۱). روانشناسی جنایی. انتشارات رشد.
- گاربر، استقن و گاربر، ماریان دانیلز و فریدمن اسپیزمن، روبین. (۱۳۸۸). چگونه با کودکم رفتار کنم. ترجمه شاهین خزعلی، هومن حسینی و احمد تبریزی، انتشارات مروارید.
- معتمدی، زهرا. (۱۳۷۴). رفتار با کودک. انتشارات لک لک.
- میلانی فر، بهروز. (۱۳۷۹). روانشناسی کودکان و نوجوانان استثنایی. انتشارات قومس.
- ون مانن، ماکس و لورینگ، باس. (۱۳۸۰). روانشناسی رازهای کودکی. ترجمه شاهرخ شاه تبریزی، انتشارات گفتمان خلاق.
- هرگنهان، بی فر و اُلسون، میتو اچ. (۱۳۸۶). مقدمه‌ای بر نظریه‌های یادگیری. ترجمه علی اکبر سیف. چاپ یازدهم، انتشارات دوران.

- Arruda, Cindy M., Megan K. Brunet, Mina E. Poplinger, Ilana Ross, Anjanie McCarthy, Victoria Talwar, and Kang Lee .(2007). I Cannot Tell a Lie: Enhancing Truth-Telling in Children Through the Use of Traditional Stories. Poster presented at the Biennial Meeting of the Society for Research in Child Development, Boston.
- Berthoud-Papandropoulou, Ioanna, and Helga Kilcher.(2003). Is a False Belief Statement a Lie or a Truthful Statement? Judgments and Explanations of Children Aged 3 to 8. *Developmental Science*, vol. 6, no. 2, pp. 173–177.
- Birdwhitsell,R.L.(1952). *Introduction to Kinesics: An Annotation System for Analysis of Body Motion and Gestures*. KY: University of Louisville Press.
- Bronson, Po & Merryman, Ashley .(2009). *Nurture Shock: New thinking about children*. New York.
- Buffington,Perry.(1989).*Your Behavior Is Showing*. Atlanta, GA: Peachtree Publishers.
- Bull, Ray, and Aldert Vrij.(2001).People’s Insight into Their Own Behaviour and Speech Content While Lying. *British Journal of Psychology*, vol. 92, no. 2, pp. 373–389.
- Bussey, Kay.(2007). Parental and Interviewer Influences on Children’s Lying and Truth Telling. Remarks and paper presented at the Biennial Meeting of the Society for Research in Child Development, Boston.
- Cole, M.;& Cole, S. R. (2001). *The developmental of children*. The United States of America: Worth Publishers.
- Crossman, Angela M., and Michael Lewis .(2006). Adults’ Ability to Detect Children’s Lying. *Behavioral Sciences and the Law*, vol. 24, no. 5, pp. 703–715.
- Davis, Martha. (1998). *Credibility Analysis Nonverbal Microcoding Guide*. Unpublished Guidebook.
- DePaulo, Bella M., Matthew E. Ansfield, Susan E. Kirkendol, and Joseph M. Boden. (2004).Serious Lies. *Basic and Applied Social Psychology*, vol. 26, nos. 2-3, pp. 147–167

- DePaulo, Bella M., Deborah A. Kashy, Susan E. Kirkendol, Jennifer A. Epstein, and Melissa M. Wyer. (1996). Lying in Everyday Life. *Journal of Personality and Social Psychology*, vol. 70, no. 5, pp. 979–995.
- Dike, Charles C; Baranoski, Madelon; Griffith, Ezra. (2005). Pathological Lying Revisited. *The Journal of the American Academy of Psychiatry and the Law*, Volume 33, Number 3.
- Edelstein, Robin S., Tanya L. Luten, Paul Ekman, and Gail S. Goodman, “Detecting Lies in Children and Adults,” *Law and Human Behavior*, vol. 30, no. 1, pp. 1–10 (2006).
- Ekman, Paul. (1989). Would a Child Lie? *Psychology Today*, vol. 23, no. 62, pp. 7–8
- Ellis Christensen, Trica.(2010).How is Pathological Lying Treated? *British Journal of psychiatry*.
- Gilli, G.;Siegal, M.; Matchetti, A.; & Peterson, C. C. (2001). Children’s incipient ability to distinguish mistakes from lies: An Italian investigation. *International journal of Behavioral Departmen*, 25(1),88-92.
- Hancock, Jeffrey T., Jennifer Thom-Santelli, and Thompson Ritchie.(2004). Deception and Design: The Impact of Communication Technology on Lying Behavior. Paper presented at CHI, Vienna, Austria.
- Karta, Deepa.(2009). Compulsive Liar Treatment. *Journal of Psychology*.
- Kroeger, Otto, & Thuesen, Janet M. (1988). *Type Talk*, Delacourte Press, New York.
- Leach, Amy-May, R.C.L. Lindsay, Rachel Koehler, Jennifer L. Beaudry, Nicholas C. Bala, Kang Lee, and Victoria Talwar.(2009).The Reliability of Lie Detection Performance. *Law and Human Behavior*, vol. 37, no. 1, pp. 96–109.
- Leach, Amy-May, Victoria Talwar, Kang Lee, Nicholas Bala, and R.C.L. Lindsay .(2004). Intuitive’ Lie Detection of Children’s Deception by Law Enforcement Officials and University Students,” *Law and Human Behavior*, vol. 28, no. 6, pp. 661–685.
- Lee, Kang .(2007). Promoting Honesty in Young Children. Remarks and paper presented at the Biennial Meeting of the Society for Research in Child Development, Boston.
- Lewis, M. (1993). The development of deception. In M. Lewis & C. Saarni

- (Eds.), *Lying and deception in everyday life* (pp. 106–125). New York: Guilford.
- Peterson, C. C.; & Siegal, M. (2002). Mind reading and moral awareness in popular and rejected preschoolers. *British Journal of Developmental Psychology*, 20, 205-225.
- Peterson, Candida C., James L. Peterson, and Diane Seeto. (1983). Developmental Changes in Ideas About Lying. *Child Development*, vol. 54, no. 6, pp. 1529–1535 .
- Poplinger, Mina E., Victoria Talwar, Kang Lee, Fen Xu, and Genyue Fu. (2007). The Development of White Lie-Telling Among Children Three to Five Years. Poster presented at the Biennial Meeting of the Society for Research in Child Development, Boston.
- Ross, Hildy S., and Irene M. den Bak-Lammers .(1998). Consistency and Change in Children’s Tattling on their Siblings: Children’s Perspectives on the Moral Rules and Procedures of Family Life. *Social Development*, vol. 7, no. 3, pp. 275–300.
- Strichartz, Abigail F., and Roger V. Burton .(1990). Lies and Truth: A Study of the Development of the Concept. *Child Development*, vol. 61, no. 1, pp. 211–220.
- Strichartz., A. F.; & Burton, R.V. (1990). Lies and truth: A study of the development of the concept. *Child Development*, 61, 211-220.
- Talwar, Victoria. (2007). Sociocognitive Correlates of Children’s Lying, Executive Functioning, and False Beliefs. Remarks and paper presented at the Biennial Meeting of the Society for Research in Child Development, Boston.
- Talwar, Victoria, Heidi Gordon, and Kang Lee. (2007). Lying in the Elementary School Years: Verbal Deception and Its Relation to Second-Order Belief Understanding. *Developmental Psychology*, vol. 43, no. 3, pp. 804–810.
- Talwar, Victoria, and Kang Lee. (2002). Development of Lying to Conceal a Transgression: Children’s Control of Expressive Behavior During Verbal Deception. *International Journal of Behavioral Development*, vol. 26, no. 5, pp. 436–444.
- Talwar, Victoria, and Kang Lee, (2002). “Emergence of White Lie-Telling in

- Children Between 3 and 7 Years of Age,” *Merrill-Palmer Quarterly*, vol. 48, no. 2, pp. 160–181.
- Talwar, Victoria, and Kang Lee.(2008). Social and Cognitive Correlates of Children’s Lying Behavior. *Child Development*, vol. 79, no. 4., pp. 866–881.
- Talwar, Victoria, Kang Lee, Nicholas Bala, and R. C. L. Lindsay. (2002). Children’s Conceptual Knowledge of Lie-Telling and Its Relation to Their Actual Behaviors: Implications for Court Competence Examination. *Law and Human Behavior*, vol. 26, no. 4, pp. 395–415.
- Talwar, Victoria, Kang Lee, Nicholas Bala, and R. C. L. Lindsay. (2006). Adults’ Judgments of Children’s Coached Reports. *Law and Human Behavior*, vol. 30, no. 5, pp. 561–5701.
- Talwar, Victoria, Susan M. Murphy, and Kang Lee. (2007). White Lie-Telling in Children for Politeness Purposes. *International Journal of Behavioral Development*, vol. 31, no. 1, p. 7.
- Taylor, M.; Lussier, G. L.; & Maring, B. L.(2003). The distinction between lying and pretending. *Journal of Cognition and Development*, 4, 229-323.
- Vrij, Aldert. (2004). Why Professionals Fail to Catch Liars and How They Can Improve. *Legal and Criminological Psychology*, vol. 9, no. 2, pp. 159–181.
- Walters,Stan B.(2000).*The truth about lying:How to spot a lie and protect yourself from deception*. Illinois, Sourcebooks, INC.
- Wilson, Anne E., Melissa D. Smith, and Hildy S. Ross, (2003). The Nature and Effects of Young Children’s Lies. *Social Development*, vol. 12, no. 1, p. 29.
- Wilson, Anne E., Melissa D. Smith, Hildy S. Ross, and Michael Ross. (2004). Young Children’s Personal Accounts of Their Sibling Disputes. *Merrill-Palmer Quarterly*, vol. 50, no. 1, p.60.
- Wimmer, H.; Gruber,S.; & Perner,. (1985). Young children’s conception of lying: Moral intuition and denotation of to lie.*Developmental Psychology*, 21, 993-995.
- Wimmer,H.;Gruber,S.;&Perner,(1984)Youngchildren’s conception of lying: Lexical realism-moral subjectivism. *Journal of Exceptional Child Psychology*,37,1-30.